

# خلاصه نکات در مورد امتحان ترجمه و ترجمه‌های حرفه‌ای ضرب الاجل دار<sup>۱</sup>

پیتر نیومارک

ترجمه: محمد علی مختاری اردکانی

(۱) فرض من بر آن است که در امتحان ترجمه جهت مقاصد حرفه‌ای، می‌توان کتب مراجع را همراه آورد و یا آنها را در اختیار مترجم قرار میدهند. این نکته نکته‌ایست واقع بینانه و اگر غیر از این باشد باید سر و صدا به راه انداخت. از این رو باید *Collins English Dictionary* دیگشنری انگلیسی کالینز، بهترین دیگشنری تک زبانه زبان مبداء، یک دیگشنری دو زبانه و گنجینه لغات را جهت *Roget's Thesarus*<sup>۲</sup> را همراه آورد.

(۲) فرض کنید سه ساعت جهت امتحان وقت دارید. پانزده دقیقه جهت تجزیه و تحلیل ترجمه، دو ساعت و ده دقیقه جهت خود ترجمه و ۳۵ دقیقه برای بازخوانی آن منظور کنید. هر نیم ساعت یک بار وقت را چک کنید.

(۳) یک خط در میان بنویسید و بین بندها (پاراگرافها) فاصله بگذارید. این کار جای تصحیح را برای شما فراهم می‌آورد. چرک نویس نکنید مگر در قسمتهای مشکل متن.

(۴) تمام لغاتی که قصد دارید در دیگشنری نگاه کنید زیرشان خط بکشید. [آنها را دسته‌بندی کنید] و به صورت گروهی لغات را در دیگشنری نگاه کنید.

(۵) همه لغات ناآشنا را نگاه کنید و در دیگشنری‌های تک‌زبانانه زبان منبع، هر لغتی که انگلیسی می‌نماید.

(۶) هر لغتی که در دیگشنری دو‌زبانانه نگاه می‌کنید باید حداقل در یک دیگشنری تک‌زبانانه زبان مبداء و یک دیگشنری تک‌زبانانه مقصد چک کنید. به علاوه همه لغات فنی یا هماینها (Collocations) را (چه مربوط به زبان مبداء و چه مربوط به زبان مقصد) در دیگشنری انگلیسی کالینز Collins یا وبستر Webster نگاه کنید. در این دو دیگشنری می‌توان احیاناً لغاتی را که در دیگشنری‌های تک‌زبانانه نمی‌توان یافت، پیدا کرد، مثل: Kermes فرمزدانه.

(۷) تمام اسامی خاص (اعلام) را نگاه کنید. ممکن است به عنوان جزئی از کار ترجمه، مجبور به طبقه‌بندی اصطلاحات جغرافیایی و اسامی تاریخی شوید. اما لغت یابی معمولاً عملیات مفصل پشت صحنه است که صرفاً قسمت روی صحنه آن پیداست. (اما لغت یابی معمولاً به منزله قسمت ناپیدای «کوه یخ» ice berg شناور است که صرفاً نوک tip آن پیداست).

(۸) روی لغاتی که از عهده آنها بر نمی‌آید وقت صرف نکنید. آنها را موقتاً بر حسب مفهوم اشتقاقی و یا تحلیلی که دارند ترجمه کنید. بعد به معنی اصلی نزدیکتر شوید تا در متن به پر معنی‌ترین مفهوم برسید.

(۹) جملات و بندهای ساده‌تر را اول ترجمه کنید، از جمله بند آخر را در صورت اقتضاء. متن را نیمه تمام رها نکنید.

(۱۰) وقت نسبتاً بیشتری را صرف جملاتی کنید که فکر می‌کنید اصلاح آنها میسر است و از این جهت باید روی آنها کار کنید.

(۱۱) جملات معنی‌دار و مفهوم‌دار بنویسید یا حداقل چرت و بی‌معنی ننویسید، مگر اینکه مطمئن شوید آن قسمت، طعنه‌آمیز و یا تعمداً بی‌منطق و خردگریز است. از ترجمه تحت لفظی (ملا نقطه‌ای) که آشکارا در متن غلط می‌نمایند بپرهیزید. جادوی زبان اصلی نشوید.

(۱۲) معنی دو جزء اساسی دارد: جزء لغات و جزء جملات. معمولاً معانی لغات را نمی‌توان بیش از حد معینی بسط یا (کش) داد. اما اگر فرهنگی، به نحو خاصی به شیئی بنگرد (فرانسه *Chatea d'eav* «دژ آب» انگلیسی *Water tower* «برج آب» و در فارسی «منبع هوایی») لغتی را به جای آنکه ترجمه کنیم جایگزین واژه دیگر می‌سازیم. معنی جمله باید با جملات مقدم و موخر خود و در مراحل بعد با پاراگراف و کل متن بخواند.

(۱۳) ترجمه باید دلالتاً (*referentially*) و صرفاً (*Paradigmatically*) صحیح باشد. وقتی صرفاً بدلیل فوق ترجمه غلط از آب درآمد از ترجمه تحت اللفظی پرهیزید.

(۱۴) نحو (*grammar*) از واژگان (*Lexis*) انعطاف پذیرتر است گاهی میتوان با استفاده از شق نحوی ثالث ترجمه‌ای طبیعی بدست داد مثلاً با تبدیل «شبه جمله» به «عبارت» یا «فعل» به «اسم». کلماتی از زبان مبدا که قابل ترجمه به یک کلمه در زبان مقصد نیستند، می‌توان آنها را با دو کلمه زبان مقصد ترجمه کرد.

(۱۵) از فرصت موجود استفاده کنید. اگر وقت دارید، جداگانه هر کدام از مقولات زیر را مرور کنید: درست بودن، طبیعی بودن (سبک)، همانندی، حروف ربط (منطق)، نقطه گذاری (تطابق یا عدم تطابق آن با متن اصلی) و ترتیب کلمات.

(۱۶) لازم است که متن ترجمه شده خود را بدون مراجعه به متن اصلی بخوانید؛ به همانندهای ناساز و نامونس صفت + موصوف، توجه خاص مبذول دارید.

(۱۷) همانطور، متن ترجمه شده خود را دقیقاً با متن اصلی مقایسه کنید تا اطمینان حاصل کنید که کلمه، جمله یا پاراگرافی را از قلم نیانداخته‌اید. برای معنی (نقش) هر واژه زبان مبدا باید حساب پس دهید، اما همیشه مجبور نیستید که آنرا ترجمه نمایید.

(۱۸) با اصطلاحات، احتیاط آمیز برخورد کنید اما با نحو پیچیده، بی‌باکانه روبرو شوید.

(۱۹) دیره‌المعارف را جایگزین دیگشنری نکنید. توضیحات دایرةالمعارف گونه زبان مقصد را جای توضیحات متن زبان مبدا<sup>۳</sup> مگذارید/ ترجمه نکنید. یک اصطلاح فنی را با یک اصطلاح توصیفی (که معمولاً وسیعتر است) ترجمه نکنید مگر آنکه آن اصطلاح فنی

در زبان مقصد نباشد. بالعکس، یک اصطلاح توصیفی را با یک اصطلاح فنی ترجمه نمائید، اما این کار گاهی قابل توجیه است (الف) در صورتیکه اصطلاح فنی در زبان مبداء وجود نداشته باشد (ب) در صورتیکه اصطلاح توصیفی جهت مقابله زبانشناختی به کار نرفته باشد، (ج) فرد مطلعی شما را مطمئن سازد که اصطلاح فنی در زبان مقصد مفهوم تر است.

(۲۰) همیشه استفاده از *couplet* [دوروش ترجمه] را جهت ترجمه اصطلاحات مؤسساتی و فرهنگی و استعاره‌های غیر مثل *recherche* در نظر داشته باشید، تا هم *خُبْرَه* مطلع را کار آید و هم خواننده ناآگاه را.

(خبرگان احياناً نقل مستقیم *transference* می‌طلبند، خوانندگان تحصیل کرده معادل کارکردی *functional equivalent* و خوانندگان نامطلع، معادل فرهنگی *cultural equivalent*)

(۲۱) لغت هر چقدر از قید زمینه و متن رها تر باشد به معنی اصلی (پربسامدترین معنی) خود احياناً نزدیکتر است.

(۲۲) خوب و طبیعی بنویسید، مگر آنکه متن زبان مبداء خاص *sacred* یا از نظر زبانشناختی مبتذل و ابتکاری باشد. در آن صورت، از ابتذال یا نوآوری متن زبان مبداء پیروی کنید.

(۲۳) بالاخره، با الهام از فحوای کلام، دست اندازها و چاله و چوله‌ها را پر کنید. از دادن دو شق ترجمه پرهیزید.

(۲۴) معمولاً وقتی زیر نویس بدهید که (الف) لغتی را که نیافته‌اید ترجمه کرده‌اید. در این حالت بنویسید «پیدا نشد» و در صورت لزوم به اختصار ترجمه خود را توجیه کنید. (ب) در صورتیکه در متن اشتباه علمی وجود دارد که اصلاح کرده‌اید (ج) احياناً اگر در متن ابهام اساسی وجود دارد که قرائت ثالثی به همان اندازه با مفهوم خواهد بود.

(۲۵) از متون (به ظاهر) ساده بهوش باشید و مخصوصاً در آنها تأمل کنید، ممتحنین هم باید فرق بگذارند. *Scaled marking* نمره گذاری نسبی احیاناً اشتباهات را بزرگ جلوه می‌دهد.

(۲۶) اول از مداد استفاده کنید، مگر اینکه از مداد بدتان بیاید و با خودکار دوباره بنویسید.

(۲۷) به خاطر داشته باشید که مصحح ترجمه، هم به اشتباهات زباندانی و دلالتی از لحاظ درستی معنی، توجه خواهد کرد و هم نادرستی‌های کاربردی (*Pragmatic*) سبک. رعایت سبک بهمان اندازه حائز اهمیت است که حفظ درستی معنی.

(۲۸) برای یک متن مشکل، چیزی به اسم ترجمه صحیح یا کامل یا ایده‌آل وجود ندارد. ده مترجم درجه یک می‌توانند پنج ترجمه متفاوت کما بیش خوب از یک جمله بفرنج بدست دهند. بعد از حیطة علم، مهارت و هنر، جایگاه سلیقه در ترجمه محفوظ است پس قویدل باشید.

(۲۹) اگر برای کارفرما یا مشتری کار میکنید و خود ضرب الاجل تعیین می‌نمائید، یک فاصله دو روزه بین مرور اصلی خود و خواندن نهائی منظور کنید به طوری که بتوانید به متن ترجمه شده بازگردید و آنرا از دیدگاه دیگری مشاهده کنید. ممکن است وقتی که دنبال یک لغت می‌گردید بیش از وقتی باشد که صرف کل مطلب می‌کنید.

همه این نکات از خود من اند نه عینیند و نه ذهنی، صرفاً برای شمايند تا اگر مایلید عليه آن عکس العمل نشان دهید.

## یادداشتها

۱- Prentic Hall Internationasl (U.K) Ltd. از انتشارات Peter Newmark تألیف A Textbook of Translation در سال ۱۹۸۸ که عصاره و لب کتاب می باشد و برای دانشجویان، مترجمین تازه کار و حرفه‌ای و کلیه کسانی که با ترجمه سر و کار دارند بسیار سودمند است.

در این فصل چند اصطلاح فنی بکار رفته است که آنها را با علامت ستاره مشخص کرده‌ایم و برای فهم بیشتر آنها، خواننده را به خود کتاب و لغتنامه ذیقیمت آن حواله می‌دهیم.

۲- در ایران، جهت ترجمه از انگلیسی به فارسیی دیگشنری حسین (انگلیسی به فارسی) The Oxford Advanced Learner's Dictionary یا Webster Eng. Dic. و برای ترجمه از فارسی به انگلیسی علاوه بر فرهنگهای فوق Alphabetical Roget's Thesaurus و Stingas توصیه میشود.

۳- در متن برای هر دو «زبان مقصد» (TL) به کار رفته است که به نظر من دومی غلط چایی است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی